

دایرةالمعارف گلیم شهر جهانی سیرجان

< عقیل سیستانی >





فرش و گلیم استان کرمان و منطقه سیرجان است؛ بی‌گمان نمی‌توانم از همه بزرگوارانی که در این مدت بی‌منتی با حقیر همکاری نمودند، سپاسگزاری کنم، بنابراین، از بردن نام تکتک‌شان نیز معذورم؛ مگر برخی از آنان که - بی‌دریغ - دانش، تجربه و کلکسیون دستبافته داری خود را در اختیارم گذاشتند؛ از جمله، چراغعلی حاج ابراهیمی، محمدحسین باقری، محمدحسین محمودی، محمدرضا انجामी، عبدالعلی عسکری‌فر، مهدی پورمهدی‌آبادی، مرحوم ببراز روح‌الامینی، مرحوم مراد روح‌الامینی، مرحوم عبداللّه روح‌الامینی، مرحوم رحمت‌اللّه روح‌الامینی، مرحوم عوض روح‌الامینی، مرحوم ابوالفتح روح‌الامینی، قدرت روح‌الامینی، کوهزاد روح‌الامینی، شهباز روح‌الامینی، غلامحسین روح‌الامینی، جهانگیر روح‌الامینی، محمدتقی روح‌الامینی، جهانپور روح‌الامینی، حیدر روح‌الامینی، ماشاء‌اللّه روح‌الامینی، مهدی روح‌الامینی، مرتضی روح‌الامینی، بهادر روح‌الامینی، حجت‌اللّه روح‌الامینی، اصغر روح‌الامینی، محمدیار روح‌الامینی، یداللّه روح‌الامینی، حبیب‌اللّه روح‌الامینی، سهراب صفی‌نژاد، محمد سالاری، ماشاء‌اللّه احسانی، شیرباز موسی‌پور، غلامرضا ذوالانوار، یداللّه حیدری، شیرعلی حیدری، اباصلت حاج ابراهیمی، ادهم حاج ابراهیمی، ابوذر حاج ابراهیمی، سعداللّه صادقی، علی مقیمی، احمد محمودآبادی و محمد پیرمرادی و فرزندش - محمود پیرمرادی؛

از دوست گرامی‌ام دکتر محسن اسدی‌پور، که اسنادی را در اختیارم گذاشت، و دیگر دوستان فرهیخته‌ام، دکتر محسن پورمختار، دکتر فرزین سلیمی، دکتر کیوان زندکریمی، دکتر مهدی مکی‌نژاد و استادان گرانقدرم دکتر حسن بلخاری‌قهی و دکتر یعقوب آژند که نکاتی را متذکر شدند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم؛ از تجار بازار فرش تهران - محسن منتظران، عبدالرضا حصار، منوچهر حقیقت و ... - به خاطر کمک بی‌دریغ‌شان و تمامی بافندگان ایلات و روستایان منطقه سیرجان و مناطق همجوار، که خالصانه من را به سیاه‌چادر و منزل روستایی‌شان دعوت کردند و با حوصله به پرسش‌هایم پاسخ گفتند و اجازه دادند دستبافته‌شان را ثبت و عکاسی کنم، سپاسگزارم؛

زحمت راهنمایی تحقیق میدانی را در منطقه سیرجان، دوست فرش‌شناس گران‌قدرم چراغعلی حاج ابراهیمی، از خبرگان فرش ایران و استان کرمان، متقبل شد؛ این بزرگوار، بنده را در سفرهای مختلفی - اغلب به همراه همسرشان پری‌زاد حاج ابراهیمی - بین ایلات و عشایر، همراهی کرد و ماحصل اطلاعات یک‌عمر تولید و تجارت فرش را در اختیارم گذاشت؛ در اینجا سپاس خود را تقدیم ایشان و محمدرضا انجामी، دوست بزرگوارم که در این کتاب همراهی می‌نمودند، می‌نمایم؛ بخشی از کارم را مدیون کمک و همراهی همکاران پژوهشی / نگارشی‌ام - مهلا میرزائی و مریم زارع - در سال‌های اولیه پروژه هستم؛ از بهرام فرهمندپور، که در روان‌سازی مانی و حامد کریمی‌افشار، که در طراحی جلد و آرایش صفحات، زحمات زیادی را متقبل شدند، ممنونم؛ همسر - زهرا خدائی - هر جا که از رفتن بازماندم، به یاری‌ام شتافت؛

بزرگواران اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان، فریدون فعالی، مدیرکل محترم؛ کاظم حسین‌زاده، معاون محترم صنایع دستی و هنرهای سنتی اداره کل و ناظر محترم پروژه؛ حیدرعلی زاهدیان‌نژاد، معاون محترم و سابق صنایع دستی و هنرهای سنتی؛ خلیل صادقی، معاون محترم توسعه و مدیریت؛ نبی‌اللّه جعفری، رئیس محترم اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان سیرجان؛ و سرکار خانم نادره میزانی مسئول محترم واحد آموزش، توسعه و ترویج معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی و ناظر محترم پروژه، سرکار خانم دکتر فرناز فرهی‌مقدم مسئول محترم واحد پژوهش اداره کل و سیدحمیدرضا تهامی را همواره پیش چشم دارم و مراتب سپاس خود را از حمایت و همراهی بی‌دریغ‌شان اعلام می‌نمایم؛ قدردان تلاش، توجه، مساعدت و پیگیری این بزرگواران، سهراب بهاء‌الدینی، معاون محترم استاندار و فرماندار ویژه شهرستان سیرجان؛ علی نژادبیگلری، معاون محترم هماهنگی امور عمرانی فرمانداری؛ محسن آرش، معاون محترم و سابق برنامه‌ریزی و امور عمرانی فرمانداری؛ اکبر عباسپور، معاون محترم برنامه‌ریزی و توسعه فرمانداری؛ حسین نورمندی‌پور و امین نیکام، کارشناسان محترم فرمانداری ویژه شهرستان سیرجان، که عهده‌دار هزینه آماده‌سازی کتاب شدند، نیز هستم؛ از همکاری دوست عزیزم دکتر ابوذر خواجویی، دبیر محترم و سابق شهر جهانی سیرجان، کمال تشکر دارم؛ حمایت این بزرگواران، دکتر رضا سروش‌نیا، شهردار محترم سیرجان؛ غلامرضا اسمعیلی، معاونت محترم توسعه مدیریت و منابع شهرداری؛ حسن باقری، مسئول محترم امور قراردادهای؛ علی نعمتی، کارشناس محترم امور قراردادهای؛ و محمدرضا قلیچ‌خانی، مسئول روابط عمومی و ناظر محترم پروژه، سرکار خانم نجمه خالقی مدیر محترم امور مالی و سرکار خانم مرصع ستوده‌نیا که در چاپ کتاب خالصانه تلاش و همکاری نمودند، هرگز فراموش نمی‌شود؛ محبت این بزرگواران، ایمان عتیقی، مدیرعامل محترم شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر سیرجان؛ جمشید ملارحمان، مدیرعامل محترم سابق شرکت؛ مجتبی رحیم‌زمانی، مدیر محترم امور عمرانی؛ ابوذر حلوایی‌پور، مدیر محترم روابط عمومی و امور بین‌الملل؛ محمود زیدآبادی‌نژاد، مدیر محترم حسابداری عمومی؛ شهریار نجم‌الدینی، سرپرست محترم خزانه‌داری؛ محسن ضیغمی کارشناس محترم عمرانی؛ مهین الهیان، تکنیسین محترم دبیرخانه شرکت؛ و دوست گران‌قدرم مرتضی جمالی، که عهده‌دار بخش عمده هزینه چاپ کتاب شدند، فراموش‌شدنی نیست؛

همراهی ارزشمند سیدمهدی طبیب‌زاده، ریاست محترم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان؛ رضا بهرامی، رئیس محترم کمیسیون گردشگری، فرش و صنایع‌دستی اتاق؛ دکتر مجتبی یزدانپناه، رئیس محترم کارگروه آموزش و پژوهش کمیسیون؛ و امجد نظامی، دبیر محترم کمیسیون، برای من همیشه آموزنده و سودمند بوده است؛

از مساعدت دکتر مصیب امیری، ریاست محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور؛ دکتر بهروز عمرانی، ریاست محترم و سابق پژوهشگاه؛ دکتر سلیم سلیمی‌مؤید، رئیس محترم مرکز معرفی فرهنگی پژوهشگاه؛ و سرکار خانم فروزان یعقوبی، بابت چاپ و نشر این کتاب، بی‌نهایت سپاسگزارم.

> سخن اول <

بافندگی؛ یکی از ارکان اصلی و جلوه‌های مهم هنر، فرهنگ و تمدن ایرانی - به‌خصوص در شهر جهانی سیرجان - است. جامعه عشایری و روستایی، سابقه طولانی در تاریخ، فرهنگ و هنر ایران دارد. به‌لحاظ تاریخی، شکی نیست که هنر بافندگی - قالی‌بافی و گلیم‌بافی - در بین مردمان، عشایر، گله‌دار و روستایی شکل گرفته و به‌مرور رشد، گسترش و تکامل یافته است. امروزه تلاش برای پاسداری از ارزش‌های فرهنگی، هنری و تاریخی ایلات و عشایر یک‌ضرورت بسیار جدی است؛ زیرا بر اثر تغییر شیوه زندگی عشایر و روستائیان، تولید ملزومات زندگی سنتی آنان رو به افول گذاشته و کوچ‌نشینی به سمت یک‌جانشینی متمایل شده است و در این بین، بسیاری از ارزش‌ها و هنرهای ایشان، به‌مرور رو به فراموشی گذاشته‌اند؛ در نتیجه، برای معرفی، حفظ و ترویج همین داشته‌های نهفته، بسیار باید کوشید؛ یکی از همین تلاش‌ها تصویب طرح حمایت از هنرمندان، استادکاران و فعالان صنایع دستی - از جمله فرش و گلیم - مشتمل بر پانزده ماده و هفت تبصره است که در ماده دوم آن، ساماندهی و اجرای قانون بیمه‌های اجتماعی قالی‌بافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه‌دار، در مجلس شورای اسلامی، خود گواه بر این مدعاست. دستان هنرمند دختران و زنان عشایر و روستائیان منطقه سیرجان، هنر، زیبایی، شهامت و صلح را به‌هم آمیخته و قرن‌هاست که در دل کویر بهترین طرح‌ونقش‌های اصیل ایرانی را خلق نموده و به نمایش گذاشته‌اند؛ به‌عبارتی، زندگی آنان، سرشار از هنر، زیبایی، غیرت و حماسه است. عشایر این اقلیم، مردمی نجیب و شریف هستند که، سوای هنر ارزشمند بافندگی - و سایر رشته‌های صنایع دستی - کارهای اقتصادی دیگری نیز مانند دامداری و کشاورزی انجام می‌دهند؛ زیرا این فعالیت‌ها مکمل یکدیگرند. صنایع دستی عشایری و روستایی این منطقه دارای دو جنبه خودمصرفی و صادراتی است؛ ثبت جهانی شهر سیرجان امروزه جنبه صادراتی گلیم و دستبافته سیرجان را بر جنبه خودمصرفی آن ارجحیت داده؛ زیرا گلیم سیرجان، خود نماد سفیر صلح، زیبایی، هنر و فرهنگ همین مرزوبوم است که به دنیا ارائه شده؛ به‌عبارتی، گلیم عامل مهمی در شناساندن فرهنگ، تمدن و هنر این منطقه برعهده داشته است.

استان کرمان و منطقه سیرجان، به‌دلیل تنوع اقلیمی، به‌خصوص در مناطق کوهستانی، مکانی مناسب برای زندگی عشایری و روستایی بوده است و به تناسب، ایلات و عشایر منطقه، از تنوع زیادی برخوردارند. بافت گلیم و دیگر دستبافته‌ها، از دیرباز - عمدتاً - به‌دست زنان و دختران خلاق این منطقه صورت گرفته است. زنان - تقریباً - نیمی از جمعیت این شهرستان را شامل می‌شوند؛ آنان حلقه اتصال فرهنگ، هنر و هویت - از گذشته تاکنون - منطقه بوده‌اند؛ آنان، ضمن برعهده گرفتن امور جاری خانه، در تولید محصولات هنری، بومی و ملی نیز نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند تا جایی که تولید هنری ایشان در خوداشتغالی، رونق صنایع دستی بومی و ملی، توسعه اقتصاد خانواده و جامعه، حفظ سبک زندگی بومی، بسیار حائز اهمیت بوده است؛ به‌عبارتی، هنر بومی بانوان بافنده سیرجانی، که حاصل ذوق، هنر، سلیقه، ابتکار و خلاقیت‌شان را توأمان با آداب، سنن، فرهنگ و اعتقادشان در دستبافته خود متجلی ساخته‌اند و این مهم، بیش از پیش، نیاز به حفظ، گسترش و اشاعه دارد. همچنین، از ویژگی‌های این هنر ارزنده ملی، دسترسی آسان به مواد اولیه و ابزار کار ساده، ارزش افزوده بالا، بی‌نیازی به سرمایه‌گذاری هنگفت، نداشتن آثار مخرب زیست‌محیطی، ایجاد درآمد مکمل، اشتغال‌زایی و رشد تولید داخلی است که زمینه رشد و اعتلای آن را فراهم می‌کند. از آنجایی که صنایع دستی، در شکل اصیل خود، فناوری وارداتی ندارد و مبتنی بر تخصص و تجربه بومی و سنتی است و مواد اولیه در محل تولید، تأمین می‌شود، به خودکفایی اقتصادی نیز کمک می‌کند.

بنابراین، راه یافتن گلیم سیرجان به بازارهای بین‌المللی، اولویت ثبت جهانی - در فهرست میراث جهانی یونسکو - این شهر بود که محقق گردید؛ به‌عبارتی، هدف از ثبت جهانی آن، نگهداری، حفظ و معرفی این هنر در راستای سیاست‌گذاری کلی توسعه فرهنگی ایران و همکاری مشترک بین‌المللی با کشورها و شهرهای هم‌رده و هم‌ردیف خود است.

بی‌گمان، کیفیت بافت، جنبه هنری و بصری گلیم سیرجان - ایران - از برتری بیشتری نسبت به گلیم‌های خارجی برخوردار است و همین امر باعث شده تا هنر بافندگی این اقلیم، شهره آفاق شود؛ برای همین، در جهت معرفی و ترویج ارزش واقعی هنر گلیم‌بافی منطقه سیرجان به جهانیان و هموطنان عزیز، تصمیم به چاپ و انتشار دایرةالمعارف گلیم و دایرةالمعارف دستبافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان گرفته شد.

این پژوهش حاصل بیش از یک‌دهه تحقیق و تفحص بی‌وقفه آقای عقیل سیستانی یکی از پژوهشگران و اساتید بومی این استان است که پتانسیل و ارزش واقعی هنر بافندگی منطقه سیرجان را به نمایش می‌گذارد. امید است که با انتشار این مجموعه، ارزش‌های واقعی هنر گلیم‌بافی و قالی‌بافی شهر جهانی سیرجان به علاقه‌مندان آن رشته معرفی گردد.

شهرستان سیرجان در جنوب غربی استان کرمان واقع شده و یکی از قطب‌های مهم تولید و تجارت دستیافته در ایران و استان کرمان است.

دستبافته داری با نیاز مادی به زیرانداز و سایر ملزومات زندگی شکل گرفته و با خلاقیت و نگاه معنوی - در طول تاریخ - توصیفی هنری یافته است. از همین روست که این آثار، درعین حال که یک فرآورده فنی و تکنیکی هستند، یک اثر هنری نیز می‌باشند؛ زیرا اقوام مختلف، تاروپود دستبافته‌شان را با عشق، علاقه و در ادامه از سنت گذشته بافته‌اند و هنوز هم می‌بافند. به‌طور کلی، صنایع دستی و هنرهای سنتی - استان کرمان و منطقه سیرجان - ریشه در تاریخ و فرهنگ این اقلیم دارند و اغلب بر جنبه کاربردی متمرکزند و عشایر و روستاییان ما نیز از حامیان و تولیدکنندگان همین هنرهای کاربردی به شمار می‌روند؛ نبوغ، هنر و فرهنگ مردم این منطقه در این هنرهای تزئینی و کاربردی تجلی یافته و به‌مرور از رویکرد خودمصرفی، یک‌رویه تجاری و اقتصادی برای هنرمندان و تجار تولیدکننده یافته است.

بی‌گمان ثبت جهانی گلیم سیرجان در ۱۳۹۶ از سوی شورای جهانی صنایع دستی (WCC) با هدف ارتقای جایگاه صنایع دستی و حفظ، احیا و تداوم فعالیت‌های حرفه‌ای هنرهای سنتی اصیل این شهرستان، با پشتوانه غنی و فرهنگی، هنری و اجتماعی در آن - که امروزه هم وجود دارد - می‌تواند زمینه مناسبی برای معرفی دستبافته و هنرمندان بافنده - شهرها، روستاها و ایلات و عشایر - و رونق کسب‌وکارهای این حوزه و توسعه بازار محصولات آنان را فراهم آورد؛ گلیم‌بافی/ هنر بافندگی، اگر با گسترش بازار فروش داخلی و خارجی توأمان باشد، به‌تنهایی می‌تواند برای هزاران زن و دختر عشایری، روستایی و شهری شغل و درآمد ایجاد کند و درعین حال، باعث رونق صنایع وابسته، عملیات قبل از تولید و بعد از تولید دستبافته همچون پشم‌ریسی و رنگ‌ریزی، شستشو، روگیری، مرمت و سایر خدمات مورد نیاز هنر بافندگی در این شهرستان گردد و در چندسال اخیر تلاش ما در شهرستان بر همین اساس بوده است و امیدوارم به‌زودی به اهداف مد نظر، دست یابیم.

بدون شک، این رویداد مهم، بدون حمایت صمیمانه مسئولان و رده‌های گوناگون وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور و اداره کل در استان از یک‌طرف و همکاری مدیران محترم شهرستان در سیرجان و کلیه فعالان، هنرمندان، تجار و تولیدکنندگان این منطقه از طرف دیگر، ثبت جهانی سیرجان، به‌عنوان شهر جهانی گلیم امکان‌پذیر نبود؛ از آنجایی که دستبافته گلیم‌بافت و قالی‌بافت ضرورتی را که در زندگی عشیره‌ای و روستایی داشت، از دست داده یا کمرنگ شده بودند و در بسیاری از موارد به‌تدریج تغییر کاربری داده بودند، بنابراین، ثبت و معرفی شهر جهانی سیرجان در سطح ملی و بین‌المللی، دریچه‌ای حائز اهمیت برای تولید و تجارت - و صدور - بیشتر چنین کالاهای ارزشمندی را به دنیا باز کرده است.

دستبافته داری عشایری و روستایی، منبع و مرجع مهمی در زمینه مطالعه هنر و فرهنگ هرمنطقه - از ایران - به شمار می‌رود؛ زیرا مهم‌ترین عرصه بروز خلاقیت - به‌خصوص - در بین زنان و دختران عشایری و روستایی مناطق مختلف است؛ می‌توان گفت؛ گلیم سیرجان شاهکاری دستبافت، از ذوق و سلیقه بافندگان این منطقه است که همواره بافنده به‌تنهایی و با کمک خانواده، مراحل پشم‌چینی، ریسندگی، رنگ‌آمیزی، چله‌کشی و بافت را برعهده داشته‌اند (در این پروسه هم به‌مرور تغییراتی ایجاد شده که نیاز به انسجام و تمرکز بیشتری در این شهرستان دارد). گلیم هرمنطقه، طرح، نقش، رنگ و ویژگی بافت خاص خودش را دارد که با توجه به همین معیارها، بافته مناطق مختلف قابل تفکیک و شناسایی است (خوشبختانه شاخصه‌های هویتی گلیم شهر جهانی سیرجان برای خیل مصرف‌کنندگان و بازار، محرز و شناخته شده است). همچنین، گلیم‌های نواحی مختلف منطقه سیرجان متعلق به ایلات و طوایف گوناگون است و به همین لحاظ تنوع شکفت‌انگیزی را در طرح، رنگ و بافت نشان می‌دهد که قسمتی از همین ویژگی‌ها برگرفته از پیشینه اقلیم، فرهنگ و باور مردم آن خطه است.

با گسترش دانش گلیم‌بافی و قالی‌بافی در سرزمین کهن ایران‌زمین، به‌خصوص استان کرمان و منطقه سیرجان، که خود کانون مهمی در حوزه بافندگی است، معرفی دستاوردها و فرهنگ‌ها ازسوی جامعه دانشگاهی و دستگاه‌های اجرایی تخصصی بیش از پیش ضرورت پیدا کرد؛ تا به امروز، درباره هنر بافندگی شهر جهانی سیرجان، کتابی که به شایستگی تنوع هنر بافندگی را در آن منطقه ثبت، مستندنگاری و به نمایش بگذارد و مستقلاً در این‌باره (دستبافته عشایری و روستایی ایلات و طوایف بافنده) حرفی برای گفتن داشته باشد، نوشته و چاپ و منتشر نشده، تنها مقالاتی پراکنده در برخی از مجلات و کتبی با یک‌رویکرد خاص و مختصر به چاپ رسیده است که با توجه به پتانسیل این اقلیم، نیاز به مستندات مکتوب زیادی متناسب با شأن و جایگاه بافندگی در این شهر به زبان‌های مختلف احساس می‌شود. با این تفاسیر، چاپ و نشر دو کتاب دایرةالمعارف گلیم و دایرةالمعارف دستبافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان، به قلم عقیل سیستانی، یکی از رسالت‌های مهم متولیان سیرجانی بود که فرمانداری ویژه شهرستان سیرجان، در راستای معرفی، تداوم و تقویت دانش بومی و سنتی گلیم‌بافی منطقه، با آن مشارکت و همکاری نمود؛ کتب حاضر را باید کوششی ارزشمند در راه معرفی و شناساندن بخشی از هنر بافندگی بی‌نظیر منطقه سیرجان به مردم کشور و جهان شمرد. امید است که با چاپ و انتشار چنین کتاب‌هایی امکان آشنایی علاقه‌مندان و دوستداران هنر به بخشی از قابلیت‌های هنر بافندگی شهر جهانی سیرجان و استان کرمان فراهم آید.

سهراب بهاءالدینی

معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان سیرجان

< سخن سوم >

سرزمین پهناور ایران، در گذر زمان، همواره مهد تاریخ، فرهنگ و هنر بوده است. یکی از قدیمی‌ترین و غنی‌ترین رشته‌های سنتی و صنایع دستی آن، گلیم‌بافی یا به‌طور کلی هنر بافندگی است که در گروه دستبافته‌های داری و غیرداری - عشایری و روستایی - تقسیم‌بندی می‌شوند و دارای سابقه چند هزار ساله در نقاط مختلف کشور، به‌خصوص استان کرمان و منطقه سیرجان، می‌باشند. دستبافته عشایری و روستایی این منطقه، بارزترین نمود تبلور فرهنگ، تجلی میراث و هویت هنرهای سنتی، قومی و ملی است و یکی از ضرورت‌های زندگی ایلات و عشایر می‌باشند که توسط بافندگان خبره و ماهر این اقلیم و با مدد قوه احساس، ذوق و خیال بافته شده‌اند. این بافته‌ها، به‌لحاظ جایگاه هنری، کاربردی و زیبایی‌شناختی، همچون شکل، طرح، نقش، رنگ‌بندی، روش بافت و نوع کاربرد، بسیار قابل‌توجه و حائز اهمیت و ارزش هستند.

فراوانی مواد اولیه بومی و محلی و تنوع ایلات و اقوام مختلف در حوزه فرهنگی جنوب شرق ایران، به‌خصوص استان کرمان و شهر جهانی سیرجان، را می‌توان به‌عنوان یکی از دلایل شکل‌گیری و گسترش هنر بافندگی در این حوزه در نظر گرفت که باعث خلق آثار منحصر به فردی از پشم و گرگ طبیعی گردیده است. با ثبت جهانی گلیم سیرجان - در ۱۳۹۶/۲۰۱۷ - از سوی شورای جهانی صنایع دستی (WCC) معروفیت دستبافته، به‌ویژه نمونه‌های بافته‌شده در منطقه سیرجان، غنای فرهنگی و هنری این خطه را دقیق‌تر نشان می‌دهد.

شهرستان سیرجان؛ یکی از شهرهای مهم و مشهور در تولید و تجارت دستبافته است که قالی‌بافی و گلیم‌بافی در آن به شیوه دستی و سنتی رواج دارد. می‌توان گفت؛ هنر بافندگی این منطقه، آینه تمام‌نمای هنر، آداب و رسوم مردم اینجاست که به‌مرور در دستبافته ایشان نمود پیدا کرده است و نیاز به پژوهش، معرفی و تأمل بیشتری دارد. در عین حال، بررسی هنر گلیم‌بافی و قالی‌بافی، نه تنها به‌صورت تجربی و سنتی بلکه در چند دهه اخیر، به‌صورت علمی در محافل آکادمیک و دانشگاهی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ از مهم‌ترین دستبافته این منطقه به قالی، گلیم، خُرچین، سفره، توشه‌دان، رکعت، نمک‌دان و ... می‌توان اشاره کرد. همچنین، از مهم‌ترین تکنیک‌های گلیم‌بافی منطقه سیرجان به پود غا، پود معلق، پود اضافه، تک‌قلاب، جفت‌قلاب، شیریکی‌پیچ (پیچ‌بافی)، گلیم‌فرش و ... می‌توان اشاره کرد که تکنیک شیریکی‌پیچ، متداول‌ترین و معروف‌ترین تکنیک بافندگی در سیرجان است.

هنر بافندگی در منطقه سیرجان، ازسویی وجوه پررنگ اقتصادی، اشتغالزایی، خودکفایی، اعتباری هنری و فرهنگی و در نهایت تجاری و ارزآوری را داراست - که بخش عمده نیاز روزمره مردمان این اقلیم را تأمین می‌نماید - و از سوی دیگر، جنبه‌هایی قوی از هنر، فرهنگ و تاریخ را با خود همراه دارد، بنابراین، کمتر جایگزینی را برای آن می‌توان متصور شد؛ امروزه چه از منظر بازار، اقتصاد و تجارت به هنر ارزشمند گلیم‌بافی و قالی‌بافی، به‌عنوان یک محصول صادرات غیرنفتی کشور، نگاه کنیم و چه از منظر هویت و تمدن و فرهنگ، به‌عنوان تجلی‌گاه سنت‌های گذشته، بنگریم، ناگزیر باید جایگاهی خاص و ویژه را برای هنر بی‌نظیر بافندگی لحاظ کرد. از همین روست که وظیفه ما متولیان و میراث‌داران در حفظ، ثبت، مستندنگاری، نشر، نمایش، ترویج، حمایت از تولید و تجارت این صنایع دستی و هنرهای سنتی بسیار ارزشمند و حائز اهمیت است.

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، می‌توان گفت؛ دستبافته عشایری و روستایی یکی از نیازها و ضرورت‌های زندگی کوچ‌نشینی - عشایری و روستایی، در رابطه با نحوه امرار معاش و یا سازش آنان با محیط پیرامونشان، است که در طی قرون مختلف توسط بافندگان و براساس دانش گذشته و به کمک احساس، قوه خیال، ذوق و تبحر بافته شده‌اند. شناخت تنوع و تعدد مصنوعات هنر بافندگی شهر جهانی سیرجان مستلزم تحقیق، پژوهش، بررسی، ثبت و مستندنگاری چنین بافته‌هایی در جوامع گوناگون قومی و ایلی منطقه بود که این مهم در طی بیش از یک دهه به‌دست عقیل سیستانی، دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تهران، صورت گرفته است.

شهرداری شهر جهانی سیرجان، ضمن تشکر و قدردانی از خلاقان هنر فاخر گلیم‌بافی و قالی‌بافی این شهرستان، در جهت حفظ، احیا و تداوم بخشیدن به تولید دستبافته مرغوب و باکیفیت (با حفظ سنت و اصالت گذشته)، تقویت دانش‌های بومی، سنتی و مهارت‌های هنری، توسعه بازار صنایع دستی و در نهایت حفظ، حمایت و صیانت از تنوع و گسترش فرهنگ و هنر بافندگی در منطقه، براساس رسالت اجتماعی و فرهنگی مردم آن، برای چاپ و انتشار و ترجمه چنین تحقیق علمی، اقدام به همکاری نمود که امید است با عرضه این کتاب، امکان آشنایی علاقه‌مندان و دوستاران هنر به بخشی از قابلیت‌های هنر بافندگی استان کرمان و شهر جهانی سیرجان فراهم آید.

۱	<<	سخن ناشر
۲	<<	سخن ناشر
۳	<<	پیشگفتار
۴	<<	طرح کتاب

فصل اول: طرح‌های متداول در دستبافته گلیم‌باف منطقه سیرجان

۸	<<	راه‌راه (محرمات)
۱۳	<<	ابروباد
۱۷	<<	خارا
۲۰	<<	بندی
۲۴	<<	بارک‌الله
۲۵	<<	موسی‌خانی
۳۲	<<	باباییگی
۳۵	<<	حشمت
۴۱	<<	خوشه‌انگوری
۴۴	<<	سینی
۴۸	<<	گلدانی
۵۱	<<	طرح‌های ترنج‌دار
۵۳	<<	ترنج منبری
۵۵	<<	پنج‌ترنج
۵۶	<<	ترنج گلدانی
۵۷	<<	ترنج بندی
۵۷	<<	ترنج ترکیبی / تلفیقی
۵۸	<<	طرح‌های بته‌ای
۵۹	<<	بته‌شاهی
۶۲	<<	بته دندان‌دار
۶۴	<<	بته‌دوقلو
۶۸	<<	بته مادر و بچه
۷۰	<<	بته سروی
۷۰	<<	بته چیتی
۷۲	<<	شتر مرغ
۷۴	<<	طرح‌های ارگه‌ای، سه‌کله، پنج‌کله و هفت‌کله
۷۴	<<	ارگه‌ای
۷۵	<<	سه‌کله
۸۱	<<	چهارکله، پنج‌کله و هفت‌کله

فصل دوم: نقش‌های متداول در دستبافته گلیم‌باف منطقه سیرجان

۸۵	<<	دندان‌موشی
۹۲	<<	دوتپو / دوپودو
۹۴	<<	ترمئو
۹۶	<<	ترمئو ساده
۹۹	<<	ترمئو گلدار
۱۰۰	<<	ترمئو خالدار
۱۰۲	<<	کلاکو / آلاقورد
۱۱۰	<<	عقربو
۱۱۲	<<	چوگون
۱۱۵	<<	چهارپودو
۱۲۰	<<	چرخ فلکو
۱۲۳	<<	سیپک
۱۲۴	<<	گل چهارپَر
۱۲۸	<<	سیپک هشت‌پَر
۱۳۲	<<	گل عباسی
۱۳۵	<<	ریزه نباتو
۱۳۶	<<	ریزه نباتو نوع اول
۱۳۹	<<	ریزه نباتو نوع دوم
۱۴۱	<<	نردبون
۱۴۲	<<	چهارسَبلو
۱۴۳	<<	جُمْلو
۱۴۵	<<	قلمدونو
۱۵۱	<<	عقربو گلدار
۱۵۷	<<	گل برگدار
۱۶۰	<<	حسین‌عباسی / بلوردی
۱۶۴	<<	چهارپَره
۱۶۷	<<	گل قَمَرو
۱۶۹	<<	آرئو
۱۷۲	<<	تاس
۱۸۶	<<	گنبه‌ای
۱۹۴	<<	هفت‌وهشتو
۱۹۸	<<	هفت‌رنگ
۲۰۰	<<	سرمه‌دون

۲۰۷	<<	مداخل
۲۱۲	<<	قُوش
۲۱۶	<<	دشتی
۲۱۸	<<	جَلک (پِرِه جَلکی)
۲۲۲	<<	ماه زنجیل (ماه زنجیر)
۲۲۸	<<	خان
۲۳۱	<<	شاخ
۲۳۷	<<	ماه سگار
۲۴۲	<<	نگار
۲۴۵	<<	دو جُور (عنکبوت)
۲۴۸	<<	ماه و مرغ
۲۴۹	<<	تَنگو
۲۵۲	<<	عاشقو (بازو بندی)
۲۵۴	<<	چله چَنگ (جَلک)
۲۵۷	<<	پَرکه قلاب
۲۶۰	<<	قُلاب (چَخْماق)
۲۶۶	<<	اُسارو
۲۶۷	<<	چَنجِکو
۲۷۲	<<	عقربو دوس
۲۷۴	<<	ستاره / ستاره هرا پره
۲۷۹	<<	ستاره بادومو / ستاره قلاب
۲۸۱	<<	آلاگل (گل سرخ)
۲۸۵	<<	خرگوشو / مرغو
۲۸۹	<<	خرگوشو کِجو (جبال بارزی)
۲۹۰	<<	مرغو پشت ورو
۲۹۵	<<	جگرو / جگر
۲۹۷	<<	پنجه کلاغو
۲۹۹	<<	قرصو
۳۰۳	<<	سم قاطرو
۳۰۷	<<	چَنگِل بُزو / گوش اسبی
۳۱۰	<<	ماه روز
۳۱۳	<<	گل آچاری
۳۱۴	<<	گل مینایی
۳۱۵	<<	خوشه انگوری
۳۱۷	<<	اژدر
۳۱۸	<<	شانه
۳۲۱	<<	گل لاله ای

۳۲۱	<<	چنار
۳۲۴	<<	زیرخاکی
۳۲۷	<<	ماهی
۳۲۷	<<	چهاربخشو
۳۲۸	<<	زین
۳۲۹	<<	خارا
۳۳۳	<<	بته
۳۳۳	<<	بته‌ای / بته‌ریز / بته‌ریزو
۳۳۴	<<	بته‌دوقلو
۳۳۵	<<	بته‌شاهی
۳۳۷	<<	بته‌بزرگ
۳۴۱	<<	پی‌نوشت
۳۴۲	<<	منابع و مآخذ

فرهنگ ایرانی، مانا و پایدار است و آن، سه ویژگی - انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و هویت ملی - عمده دارد که - علی‌رغم تنوع و تکثر موجود در جامعه امروزی - به انسجام ملی کمک نموده؛ در نتیجه، آشنایی با فرهنگ گسترده سرزمین‌مان، تنها راه شناخت هویت ماست که عزت ملی به‌همراه دارد: عزت ملی، جامعه را از گسیختگی فرهنگی بازمی‌دارد و انسجام و قدرت به آن می‌بخشد.

در رابطه با موارد ذکرشده، فعالیت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی نیز حسب تکلیف تعیین‌شده، متمرکز شده است؛ زیرا عظمت فرهنگ و تمدن ایران به اندازه‌ای است که برای شناخت دقیق و درست آن، در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی منطقه نیز باید غور و تأمل نمود.

با نگرشی سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق بخشیدن و فراهم‌ساختن بستر مطلوب جهت ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مناسب و قدرت‌بخشیدن و پررنگ‌ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش‌شده و احیای هنرهای ازیادرفته و - در ادامه - تحقق ششمین‌وظیفه برشمرده از سوی پژوهشگاه، گام مؤثر آن است که گزیده تحقیق به‌عمل‌آمده در هر پژوهش‌شکده - به‌ویژه آثاری که حاصل همکاری مشترک پژوهشگاه و مؤسسه تحقیقی و آموزشی هم‌تراز بین‌المللی است - به نشر درآید تا ماحصلش طریقه‌ای باشد برای کاربردی‌کردن دانش، به منظور رفع نیاز جامعه، به‌خصوص تحقق برنامه‌های راهبردی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران؛ در نتیجه، باید اذعان داشت که: پژوهش‌عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و - به بیان ساده - اصل حاکم بر جوامع قرن بیست‌ویکم است؛ پس برای ایجاد برآیند حاصل از نتیجه و تحلیل‌یافته مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته و دانش مرتبط با آن و مستند مربوطه عامل مؤثری است جهت شناخت وضعیت حاضر و ابزاری است برای بهینه‌ساختن برنامه در دست اجرا و راهنمای نسل آینده، در جهت شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران.

به‌علت گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عامل تأثیرگذار بر آن، حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن، نخستین گام است؛ در نتیجه، پژوهشگاه بر آن است که با همکاری پژوهشگران و استادان، این رسالت را به سرانجام رساند تا به سهم خود، گام مؤثری در این راه برداشته باشد.

در مجموعه حاضر، که ماحصل تلاش و تحقیق آقای عقیل سیستانی از پژوهشگران بومی منطقه است؛ سعی شده، تصویری جامع از دست‌یافته و گلیم شهر جهانی سیرجان (بر محور شیوه بافت و طرح‌ونقش) به نمایش درآید تا علاقه‌مندان، علاوه بر کسب اطلاعات متنوع و مورد نیاز خود، با هنر اصیل آن اقلیم بهتر آشنا شوند.

مصیب‌امیری

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

< سخن ناشر >

بدون شک، صنایع دستی - و هنر بافندگی - ماحصل نیاز بشر و تجلی گاه ذوق، استعداد، دیدگاه‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم و جلوه تلاش هنرمندان آن اقلیم و مظهر تبلور عینی و ذهنی دستاوردهای تاریخی، فرهنگی و هنری هرقومی است؛ انسان از آغاز پیدایی، ناگزیر شد، برای بقای خود، تن‌پوش، جان‌پناه، ملزومات زندگی و ابزار بسازد تا خود را در برابر حوادث طبیعی و گزند حیوانات وحشی محفوظ بدارد؛ این روند - در گذر زمان - رشد، گسترش و تنوع یافت که امروزه، آنها به‌عنوان صنایع دستی و هنرهای سنتی شناخته می‌شوند؛ خصیصه اصلی آثار صنایع دستی و هنرهای سنتی - همانند قالی‌بافی و گلیم‌بافی - منحصر آ سودمندی - همراه با حس زیبایی‌شناختی - و ضرورت زندگانی موجود آنهاست که از گذشته تاکنون، سیر تکاملی را طی کرده‌اند؛ بنابراین، تلاش برای حفظ، معرفی، احیا و صیانت از هنرهای سنتی مذکور، بسیار ضرورت دارد.

قالی‌بافی و گلیم‌بافی، اصیل‌ترین هنرهای سنتی ایران - استان کرمان و شهر جهانی سیرجان - مفهومی‌ترین و کاربردی‌ترین هنر در دنیا و کشور ماست. این هنر، اغلب در میان دختران و زنان ایلات و روستانشینان مرسوم است. آنان آرزو، آمال و تمغای‌شان را با اشکال ساده/ استیلیزه‌شده در نقش و نگاره عامیانه و کاربردی با عشق و علاقه بافته‌اند؛ این هنرها همواره در مقامی والا و ارزشمند قرار دارند. سابقه و پیشینه صنایع دستی و هنر بافندگی استان کرمان به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد. براساس یافته‌های باستان‌شناسی؛ از هزاره پنجم پیش از میلاد، در مناطق تل ابلیس بردسیر (گواه این امر، کشف تعدادی چرخ نخی‌ریسی گلی از خانه‌های تل ابلیس در طی کاوش‌های باستان‌شناسی است) و در تپه یحیی آرزوئیه و تمدن خبیص شهداد کرمان آثاری از هنر بافندگی، همانند دوک، سردوک و چرخ نخی‌ریسی گلی دیده شده است. امروزه نمونه‌های بسیار نفیسی از صنایع دستی و دست‌بافته استان کرمان در موزه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شوند که هریک، متأسفانه بدون ثبت و مستندنگاری دقیق و درست، به‌مرور از کشور خارج شده‌اند؛ تاکنون برای معرفی و احیا و رونق صنایع دستی و هنر بافندگی این منطقه، با چنین پیشینه؛ زیبایی و ارزشی، گام درخور شأن علمی و پژوهشی برداشته نشده است و با مطالعه مستندات مکتوب در این حوزه، می‌توان گفت؛ هنر بافندگی با وجود سابقه تاریخی و قدمت دیرینه‌ای که در اقلیم دارد و صرف نظر از ارزش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، هنری و فرهنگی آن، ولی به‌لحاظ شناخت موضوعی و محتوایی به‌ویژه با نگاه علمی و بنیادی، موضوع پژوهشی جدیدی است و با یک‌بررسی اجمالی، متوجه خواهیم شد که، دانش و اطلاعات ما از این حوزه ارزشمند، حتی درباره جنبه‌های عملی و تجربی طرح، نقش، تنوع رنگ‌بندی، تکنیک بافت و تولید و تأمین مواد اولیه و تجهیزات دست‌بافته، با وجود مهارت، تبحر و سابقه تاریخی که در آن هست، تا چه حد غیرمردود و غیرقابل استفاده است؛ به‌عبارتی، هرچه، هنر ارزشمند بافندگی در کشور و استان کرمان و منطقه سیرجان غنی و متنوع است، برعکس مطالعات اصولی درباره خالقان آن، فلسفه خلق، تنوع و شکل‌گیری دست‌بافته و مبانی تاریخی و زیبایی‌شناسی و ارزشی آن بسیار محدود و ناچیز است. با ثبت جهانی گلیم سیرجان در شورای جهانی صنایع دستی (۱۳۹۶) و با پیافتن آن به بازارهای جهانی و به تناسب توجه و حمایت ملی و بین‌المللی به چنین هنری، بیش‌ازپیش ضرورت معرفی، نگهداری، ترویج این هنر ارزشمند بر همگان آشکار شد.

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد؛ صنایع دستی حاصل ذوق، حس زیبایی‌شناختی و جلوه تلاش هنرمندان، دیدگاه‌ها، اعتقادات و باورهاست و به‌مرور، در طی قرن‌ها، به‌عنوان میراث هنری شکل می‌گیرد؛ و حائز اهمیت است که این میراث شناخته شود و ابعاد گوناگون هنری، تاریخی و فلسفی آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛ بر همین اساس، اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان و معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی کشور، در چارچوب رسالتی که در زمینه پژوهش، نشر، ترویج و حمایت از صنایع دستی و هنرهای سنتی برعهده دارند، در چندسال اخیر، سعی کرده‌اند تاریخ و فرهنگ و هنر گران‌بهای این مرزوبوم را از طریق پژوهش و انتشار تحقیق علمی، به‌طور شایسته، معرفی نمایند (مصادق آن در کرمان، چاپ و انتشار جلد‌های اول، دوم و سوم دایرةالمعارف دست‌بافته دارای و غیرداری و جلد اول معرفی صنایع دستی استان است) و درنظر داشته که با انتشار مجموعه آثاری در حوزه‌های گوناگون صنایع دستی به نیاز علاقه‌مندان، هنرمندان و متخصصان پاسخ دهند.

ناگفته نماند که؛ تاریخ فرش‌بافی استان کرمان و منطقه سیرجان خلأ بسیاری دارد و درحال حاضر نیز کماکان با فقدان شواهدی در این زمینه، به شکل مدارک تاریخی مستدل، مواجه است؛ به این دلیل که دست‌بافته و منسوجات عمرشان بسیار کوتاه‌تر از سایر مصنوعات هنری دست‌ساز دیگر است. با این تفاسیر، بسیار ارزشمند بود که مدارک، اسناد، صنایع دستی و هنر بافندگی استان کرمان - یا به‌طور کلی ایران - مانند دیگر کشورها ثبت می‌شد و جزئیاتی درباره تاریخچه آثار و تنوع طرح و نقش و تکنیک آنها فراهم می‌آمد. البته این خود زمینه تحقیقی است که باید به‌طور مطمئن، به‌واسطه محققین بومی، دنبال شود که خوشبختانه بیش از یک‌دهه قبل از سوی آقای عقیل سیستانی - دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تهران - به‌طور دقیق مورد توجه قرار گرفته و اهمیت صنایع دستی و هنر بافندگی استان کرمان را به‌خوبی پیش چشم مخاطبان ترسیم کرده است.

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای ارج نهادن به زحمات بافندگان منطقه سیرجان و تحقیقات انجام‌شده و همچنین فراهم آوردن امکان استفاده دیگر استادان، هنرمندان، دانشجویان و فعالان از نتایج علمی و تحقیقی، این کتاب را چاپ و منتشر کرده تا به‌واسطه آن، امکان آشنایی علاقه‌مندان و دست‌داران هنر به بخشی از قابلیت‌های هنر بافندگی استان کرمان و شهر جهانی سیرجان فراهم آید.

گلیم: محصولی است که از درگیری ناروپود نخی، پشمی و مویی یا مام پشم به دست می آید و بیشترین کاربردش فرش زیر پا و دستبافته کیسه‌ای است. از طرفی، قدیمی‌ترین شیوه فرش بافی است؛ و در یکی از انواع رشته صنایع دستی و هنرهای سنتی (گروه دستبافته داری و غیرداری) قرار می‌گیرد که ماده اولیه و اصلی آن از پشم گوسفند یا دیگر چهارپایان اهلی به دست می‌آید.

معمولاً گلیم - به شکل سنتی و کاربردی - به عنوان روانداز / روکش لوازم عشایری و روستایی (رختخواب‌بند و گلیم روباری)، به عنوان دستبافته کیسه‌ای (کشک‌دان، دست‌دان، توشه‌دان، توبره، نمک‌دان، جوال، رکعت، مفرش، خوره، خُرجین، گاله، چیق‌دان، درفش‌دان، آینه‌دان، دکارت‌دان، جلک‌دان، قاشق‌دان، سوزن‌دان و جلد قرآن / قرآن‌دان) و پوشش حیوان باربر (پالان، جُل و روزینی اسب، قاطر، شتر و الاغ) و پوشانیدن زمین خانه‌های روستایی و سیاه‌چادر - و سقف آن - (کناره، پادری، مسند، گلیم زیرانداز و پلاس) و به عنوان سفره‌های آردی، غذاخوری، پیش‌انداز و دست‌ورخون و گهواره بچه (ننو / نعنو / گاچو) و سایر تزئینات حیواناتی همانند شتر، اسب، قاطر (افسار / اوسار، سینه‌بند، زانوبند، مچ‌بند، گردن‌بند و پیشانی‌بند) و دستبافته‌های تزئیناتی و کاربردی همانند دموک‌بند، جادعایی، سفره‌آویز، بندننی، نوار / تنگ و ... استفاده می‌شود؛ اما، هم‌اکنون - به شکل امروزی و غیرکاربردی (تزئینی) - در خانه‌های شهری نیز به کار می‌رود.

گلیم در برخی از فرهنگ‌ها، به همین نام و در فرهنگ‌های دیگر - با کمی تغییر - به نام‌های دیگری نیز خوانده می‌شود؛ برای مثال، گلیم (Gelim) در افغانستان، کایلم (Kylim) در اوکراین، کیلیمی (Kilimy) در لهستان، کیلیم (Killim) مجارستان، کلیم (Kilim) در ترکیه و کشورهای عربی، چیلیم (Chilim) در رومانی، پلاس (Palas) در قفقاز، و لیاط (Liath) در سوریه و لبنان.

از ویژگی‌های مهم گلیم آن است که؛ هرمنطقه طرح، نقش، رنگ بندی و تکنیک بافتِ مختص به خود را دارد. رنگ‌های به کاررفته در گلیم - سنتی - اغلب از مواد رنگزای طبیعی - گیاهی، معدنی و جانوری - تهیه می‌گردد. گاهی گلیم را اصطلاحاً دواشور می‌کنند، با چای، پوست گردو و ...؛ برای جلوه بیشتر و القای حس کهنگی رنگ آن. گلیم را در اندازه‌های مختلفی - اغلب مستطیل - می‌بافند، ولی امروزه در ابعاد دیگری نیز عرضه می‌شود؛ مانند:

- ۲۰×۲۰ سانتیمتر و ۳۰×۳۰ سانتیمتر؛

- ۶۰×۹۰ سانتیمتر (پادری)؛

- ۸۰×۱۲۵ سانتیمتر (زرع چارک)؛

- ۱۲۰×۱۸۰ سانتیمتر (دوزرع)؛

- ۱۵۰×۱۰۰ سانتیمتر (نیم‌ذرع [متداول‌ترین اندازه])؛

- ۱۴۰×۲۱۰، ۱۵۰×۲۰۰ و ۱۳۰×۲۲۰ سانتیمتر (قالیچه)؛

- ۱۷۰×۲۴۰ سانتیمتر (پرده‌ای)؛

- ۷۰×۲۵۰ سانتیمتر، ۸۰×۲۵۰ سانتیمتر، ۷۰×۳۰۰ سانتیمتر و ۸۰×۳۰۰ سانتیمتر (کناره)؛

- ۲۰۰×۳۰۰ سانتیمتر؛

- ۱۰۰×۱۰۰ سانتیمتر، ۲۰۰×۲۰۰ سانتیمتر و ۲۵۰×۲۵۰ سانتیمتر (مربع)؛

- و ...

آنچه مُسلم است این‌که؛ گلیم بافی و قالی بافی از گذشته در منطقه سیرجان وجود داشته و با ورود اقوام مهاجر - ایلات افشار، بُجاقچی، رائینی / رائینی، قرائی / قرائی، خواجه‌ئی / خواجه‌ئی، خراسانی، لُری کوه‌پنجی و طوایف شول و آل‌سعدی و ... - به آن، تنوع و گسترش بیشتری یافته است. با این‌همه، معلوم نیست بافت اولین پارچه کی و کجا و به دست کدام قوم، که با شروع بافت گلیم هم‌زمان بوده، صورت گرفته، اما براساس کاوش‌های باستان‌شناسی، شواهدی از بافته ساکنان فلات ایران و سرزمین‌های همجوار به دست آمده است؛ برای مثال، در غارهای جنوب شرقی دریای مازندران (کمربند و هوتو، نزدیک بهشهر) آثاری یافت شده که پرورش گوسفند و بز و ریسیدن پشم و موی آنها را به دست بافندگان این منطقه در هشت‌هزار سال پیش به اثبات می‌رساند. درهمین رابطه، تکه پارچه - بافته از موی بز - هشت‌هزارساله‌ای در کرانه دریای مازندران و پارچه - بافته از کتان - شش‌هزارساله‌ای نیز از منطقه شوش به دست آمده است؛ اما باز هم تاریخچه دقیقی برای اولین گلیم بافته شده نمی‌توان تعیین کرد.

قدیمی‌ترین فرش گره‌دار / قالی کشف شده توسط باستان‌شناس روس، سرگئی ایوانوویچ رودنکو، قالیچه هخامنشی مشهور به قالی پازیریک است که در ۱۹۴۹ میلادی در یکی از گور پشته‌های یخ بسته اقوام سکایی، واقع

در دره پازیریک، جنوب جبال آلتایی پیدا شد که آزمایش کربن ۱۴ عمر آن را میان ۴۵۰ تا ۳۵۰ قبل از میلاد برآورد کرده است (پرهام، ۱۳۹۹، ۱۱)؛ به این ترتیب، وجود قالی‌بافی گره‌دار در تمدن‌های باستانی فلات ایران ثابت می‌شود (فرش یادشده سه‌هزار و شصت‌گره متقارن در هر دسیمتر مربع دارد). از یک سو، نقش فرش پازیریک، بیانگر آن است که بافنده برای رسیدن به چنین مهارتی لازم بوده از یک سنت حداقل هزارساله برخوردار باشد. در نتیجه، تاریخچه پیدایش فن گره‌بافی در ایران را دست‌کم به حدود - دوهزار چهارصد سال پیش می‌رساند. (همان، ۱۱۲) از دیگر سو، اختلاف شرایط اقلیمی در مناطق مختلف ایران (کوهستان، دشت و کویر)، نه تنها عامل تأثیر و تغییر در شرایط زندگی بومیان آن مناطق بوده و هست، بلکه چنین تغییری به نوبه خود تأثیر زیادی بر آداب و رسوم، سنن و هنرهای دستی/ سنتی همان مناطق داشته که گلیم‌بافی یکی از آنهاست.

از مناطق بافت گلیم و قالی در ایران، استان کرمان و شهرستان سیرجان، یکی از غنی‌ترین بافته‌های داری را، به لحاظ تنوع طرح، نقش، رنگ‌بندی و تکنیک بافت تولید می‌کنند. اگرچه تاکنون این نوع دستبافته آن چنان که باید معرفی نشده و پژوهش درخوری درباره بافندگان و فلسفه طرح، نقش و سیر تنوع و تغییر آن صورت نگرفته است.

به طور کلی، دستبافته منطقه سیرجان به سه گروه دستبافته گلیم‌بافی/ گلیمینه/ تخت‌باف، دستبافته قالی‌بافی/ فرشینه/ پرزباف و دستبافته ترکیبی گلیم‌بافی و قالی‌بافی/ گلیم‌فرش/ گلیم برجسته/ گلیم گل‌برجسته/ گلیم قالی‌بری تقسیم می‌شود. تکنیک/ روش گلیم‌باف ایلات منطقه نیز، به لحاظ شیوه بافت، به سه گروه ساده‌باف یا پودگذاری، پیچ‌باف یا پودپیچی و ترکیبی یا گلیم‌فرش تقسیم می‌گردد. گروه ساده‌باف یا پودگذاری نیز شامل تکنیک‌های پودغا، تک‌قلاب، جفت‌قلاب، پودمعلق، پوداضافه و چاک‌دار (این تکنیک کمتر در دستبافته استان کرمان و منطقه سیرجان به کار رفته است) می‌شود. از گروه پیچ‌باف به گلیم شیریکی پیچ (پیچ‌باف) باید اشاره کرد.

درباره ایلات منطقه سیرجان نیز باید نکته‌ای را یادآور شوم؛ با یکجانشین شدن عشایر، بسیاری از ملزومات زندگی ایشان (دستبافته کیسه‌ای مانند خُرچین، توشه‌دان، جوال و ...) کمتر تولید شد. اما، از آنجایی که گلیم کاربردهای دیگری چون کفیوش، زیرانداز، روانداز - روبرای یا رورختخوابی یا روپوش - و ... نیز دارد، بافتن آن تاکنون ادامه داشته است. از طرفی، توسعه اقتصادی نیز باعث شده نقوش از حالت بکر و انحصاری گذشته درآمده و به شکل‌های متنوعی در ایلات و طوایف بافنده منطقه، بافته شوند.

از آنجایی که نقوش و طرح‌ها مهم‌ترین جایگاه شناسایی گلیم و اقوام منطقه سیرجان به شمار می‌روند و در چنددهه اخیر، بیشترین گلیم با تکنیک‌های شیریکی پیچ (پیچ‌باف) و گلیم‌فرش بافته شده‌اند (این نقوش به جز سیرجان، در ایلات و مناطق دیگر نیز به کار رفته‌اند)، در طی تحقیق تلاش شد شناسنامه جامعی از نقوش و طرح‌های این منطقه معرفی شود (به طور کلی، هرنقشی را به یکی از گونه‌های گیاهی، حیوانی، ترکیبی و تاحدودی انسانی تقسیم می‌کنند. اغلب تصویر کارشده بر دستبافته گلیم‌باف، فی‌البداهه و ذهنی بوده و هرمنطقه و ایل در آن، نقش خود را بافته است. بافندگان، انتخاب و رنگ‌بندی‌شان بر مبنای ذوق و علاقه شخصی بوده و نقش به کاررفته از سوی ایشان، متناسب با نوع بافت، اغلب حالتی هندسی و تجربیدی داشته است، ولی در چنددهه اخیر برخی از نقوش به صورت منحنی بافته شده و گاه‌ا از نقشه نیز استفاده کرده‌اند).

< طرح کتاب >

تحقیق و تدوین مجموعه کتاب دایرةالمعارف دستبافته داری استان کرمان این‌طور شکل گرفت که؛ نخست، به این باور رسیدم که، چنانچه فرش/ هنر بافندگی سیرجان، استان کرمان و درکل، ایران، مستندنگاری، ثبت و منتشر می‌شد، نه مسئولین و متولیان مربوطه نادیده‌اش می‌گرفتند و نه بیگانگان به این سادگی دست به کپی‌برداری و تقلید از آن می‌زدند؛ دوم، اهمیت چنین پژوهشی، با توجه به پتانسیل منطقه، جهت حفظ، ترویج، توسعه و ارتقای فرهنگ و سنت ارزشمند گذشته و ثبت و انتقال آن به آیندگان، لازم و جای خالی‌اش محسوس بود؛ سوم، وظیفه تحصیل، تحقیق و پژوهش و کار درحوزه هنرهای سنتی و صنایع دستی (چهار سال تحصیل در مقطع